

# بين الله سبحانه وتعالى ووجه الله أو الله في الخلق بين خدای سبحان و وجه الله يا خدا در خلق

محمد عبد الله ورسوله، ليس في هذا العالم السفلي الجسماني فقط بل هو رسول الله سبحانه وتعالى قبل أن يخلق بقية الخلق، والرسول إذا كان وجه المُرسِل وصورة المُرسِل، قال الإمام الباقر (ع): (نحن المثاني الذي أعطاه الله نبينا محمداً ، ونحن وجه الله نتقلب في الأرض بين أظهركم، ونحن عين الله في خلقه ويده المبسوطة بالرحمة على عباده، عرفنا من عرفنا وجهنا من جهلنا ... ) ([232]). وفي الحديث: (الله خلق آدم على صورته) ([233]).

حضرت محمد(ع) بندهی خدا و رسول او است. ایشان نه فقط در این عالم سفلی جسمانی، بلکه قبل از آن که خداوند سایر موجودات را بیافریند، رسول خدا بوده است. رسول هنگامی معنا و مفهوم دارد که وجه مُرسِل (ارسال کننده) یا صورت مُرسِل باشد. امام باقر (ع) می فرماید: «ما آن مَثانی هستیم که خدا به پیغمبرش عطا کرد، و ما همان وجه و صورت خدا هستیم که بین دیدگان شما روی زمین در حرکت می باشیم، و ما چشم خدا در میان خلقش هستیم و ما دست رحمت خداییم که برای بندگانش گشوده است، شناسد ما را هر که شناسد و نادیده

گیرد ما را هر که نادیده گیرد...» [۲۳۴]. و در حدیث آمده است: «خداوند آدم را به صورت خود آفرید» [۲۳۵].

والرسول إذا كان أمره أمر المرسل - قال الإمام المهدي (ع): (قلوبنا أو عية لمشيئة الله، فإذا شاء الله شئنا، والله عز وجل يقول: (وَمَا تَشَاؤُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ) [236] ) ( [237] ) - كان إرسال الرسول هو إرسال المرسل ومواجهة الرسول هي مواجهة المرسل، ومن هنا يتبين أن جميع الأنبياء والمرسلين من الله سبحانه وتعالى هم مرسلين من محمد إسرائيل أو عبد الله ووجه الله أو الله في الخلق، فالأنبياء والمرسلون واجهوا الله في الخلق وهو محمد (وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحِيًّا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بَأِذِنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلِيُّ حَكِيمٌ) [238]، ومعلمهم هو الله في الخلق وهو محمد (وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ) [239]، بل إن مواجهتهم لم تكن إلا مع باب محمد وهو علي (ع)، فعن أبي جعفر (ع) عن آبائه قال: (قال رسول الله: أنا مدينة العلم وهي الجنة، وأنت يا علي بابها، فكيف يهتدي المهتدي إلى الجنة ولا يهتدي إليها إلا من بابها) [240].

رسول (فرستاده شده) هنگامی معنی دارد که فرمان او، فرمان مرسل (فرستنده) باشد. امام مهدی (ع) فرموده است: «دل‌های ما ظروف مشیت خدا است، اگر خدا بخواهد ما نیز می‌خواهیم، و خدای متعال می‌فرماید: «و شما جز آن نمی‌خواهید که خدا خواسته باشد» [241]» [242]. ارسال از جانب رسول، ارسال از جانب مرسل و مواجهه‌ی رسول نیز همان مواجهه‌ی مرسل می‌باشد. از اینجا آشکار می‌گردد که تمام انبیا و فرستاده‌شدگان از جانب خدای سبحان و

متعال، فرستاده شده از سوی محمد (ص) یعنی اسرائیل یا عبدالله، و صورت خدا یا خدای در خلق، نیز می‌باشند. انبیا و فرستاده شدگان (ع) با خدای در خلق روبه‌رو شدند که همان حضرت محمد (ص) می‌باشد: «هیچ بشری را نرسد که خدا جز به وحی یا از آن سوی پرده، با او سخن بگوید یا رسولی می‌فرستد تا به فرمان او هر چه بخواهد به او وحی کند. او بلندپایه و حکیم است» [243]. آموزگار آنها خدای در خلق که همان حضرت محمد (ص) است، می‌باشد: «و نام‌ها را به آدم پیاموخت. سپس آنها را به فرشتگان عرضه کرد و گفت: اگر راست می‌گویید مرا به نام‌های این چیزها خبر دهید» [244]. بلکه مواجهه‌ی آنها صورت نگرفت مگر از طریق دروازه‌ی محمد (ص) که علی (ع) می‌باشد. ابو جعفر (ع) به نقل از پدرانش (ع) فرمود: «پیامبر خدا (ص) فرمود: من شهر علم هستم و این شهر، بهشت است و تو ای علی، درب آن هستی، پس چگونه راهرو و جوینده‌ی راه بهشت می‌تواند بدون ورود از در آن، به بهشت راه یابد؟!» [245].

و عن ابن عباس، قال: قال رسول الله : (أنا مدينة العلم و علي بابها، فمن أراد العلم فليأت الباب) ([246]).  
 از ابن عباس نقل شده است که پیامبر خدا (ص) فرمود: «من شهر علم هستم و علی در آن است، پس هر کس که علم می‌خواهد باید از در وارد شود» [247].

وفي الكافي عن أبي عبد الله الصادق (ع)، قال: قال رسول الله : (أنا المدينة و علي الباب، وكذب من زعم أنه يدخل المدينة إلا من قبل الباب، وكذب من زعم أنه يحبني ويبغض علياً (ع)) ([248]).

در کافی نیز از ابو عبدالله امام صادق (ع) به نقل از پیامبر (ص) آمده است که آن حضرت (ص) فرمود: «من شهر هستم و علی دروازه است، و دروغ گفته است کسی که می‌پندارد به شهر داخل می‌شود؛ مگر از طریق دروازه، و دروغ گفته است کسی که می‌پندارد مرا دوست دارد درحالی که علی (ع) را دشمن می‌دارد» [249].

و عنه : (أنا مدينة العلم (الحكمة) و علي بابها، فمن أراد الحكمة فليأتها من بابها) [250].

و همچنین حضرت (ص) فرمود: «من شهر علم (حکمت) هستم و علی درب آن است؛ پس هر کس خواهان حکمت است باید از درب آن (شهر) وارد شود» [251].

فمحمد هو من عرف الله وعرف الخلق بالله ولم تتم المعرفة إلا من باب محمد وهو علي، ومحمد هو البرزخ بين الحق والخلق (يخفق بين الإنسانية والفناء في الذات الإلهية)، وعلي هو الإنسان الأول في الخلق، قال تعالى: (وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بَأْذَنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلِيُّ حَكِيمٌ) [252]، فالبشر هو علي والحجاب هو محمد، وأيضاً البشر هم الأئمة والحجاب علي والمتكلم محمد أو الله في الخلق، وأيضاً البشر هم الأنبياء والمرسلون والحجاب هم الأئمة والمتكلم علي أو الرحمن في الخلق، قال علي (ع) الإمام الذي ظلمه حتى من يدعون موالاته: (أنا أؤدي من النبيين إلى الوصيين، ومن الوصيين إلى النبيين، وما بعث الله نبياً إلا وأنا أقضي دينه وأنجز عاداته، ولقد اصطفاني ربي بالعلم والظفر، ولقد وفدت إلى ربي

اثنی عشره وفادة فعرفني نفسه وأعطاني مفاتيح الغيب)  
[253].

حضرت محمد (ص) همان کسی است که خدا را شناخت و خدا را به خلق شناساند، و این شناخت کامل نشد مگر به وسیله‌ی باب محمد که علی می‌باشد؛ و محمد همان برزخ بین حق و خلق است: «بین انسانیت و فنا در ذات الهی در نوسان است» و علی همان انسان اول در میان خلائق است. حق تعالی می‌فرماید: «هیچ بشری را نرسد که خدا جز به وحی یا از آن سوی پرده، با او سخن بگوید یا فرستاده‌ای می‌فرستد تا به فرمان او هر چه بخواهد به او وحی کند. او بلندپایه و حکیم است» [254]؛ بشر، علی است و حجاب، محمد؛ و نیز بشر، ائمه‌اند و حجاب، علی و سخن‌گو (متکلم) محمد یا الله در خلق است؛ و نیز بشر، انبیا و فرستاده‌شدگان هستند و حجاب، ائمه‌اند و متکلم، علی یا رحمان در خلق است. علی (ع) - امامی که حتی کسانی که ادعای دوستی و موالات او را دارند نیز به او ستم کرده‌اند - فرموده است: «من از پیامبران به اوصیا و از اوصیا به پیامبران می‌رسانم و خداوند هیچ پیامبری را نفرستاد مگر این که من دین او را قضا کردم و موفقیت او را فراهم ساختم و خداوند مرا به علم و پیروزی برگزید، و من دوازده بار نزد پروردگارم رفتم، پس او خود را به من شناسانید و کلیدهای غیب را به من عطا نمود» [255].

فیمكن أن نقول: إن علیاً هو من کلم موسى (ع)، بل إن من کلم  
موسی (ع) من آل محمد یأتمر بأمر علی (ع)، و علی یأتمر بأمر  
محمد، و محمد یأتمر بأمر الله سبحانه وتعالى.

لذا می‌توانیم بگوییم: کسی که با موسی (ع) سخن گفت، علی (ع) بود و حتی آن که از آل محمد (ع) با موسی (ع) تکلم نمود، مجری فرمان علی (ع) است و علی (ع) نیز مجری فرمان محمد (ص) است و محمد نیز مجری فرمان خدای سبحان است.

عن علي أمير المؤمنين (ع): (....) وعقدت الراية لعماليق كردان، ....، فتوقعوا ظهور مكرم موسى من الشجرة على الطور، فيظهر هذا ظاهر مكشوف، ومعاین موصوف (...)([256]).

از امیرالمؤمنین (ع) نقل شده است که فرمود: «.... و پرچمی برای استقلال کردها منعقد و فراهم شد....، آنگاه منتظر ظهور کسی باشید که با موسی (ع) از درخت در «طور» سخن گفت، که به شکل علنی، ظاهر و آشکار خواهد گردید و با چشم دیده می‌شود و وصف می‌شود....»([257]).

قال تعالى: (قُلْ يَتَوَفَّاكُمْ مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ) ([258])، وقال تعالى: (الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنفُسِهِمْ فَأَلْقُوا السَّلْمَ مَا كُنَّا نَعْمَلُ مِنْ سُوءٍ بَلَىٰ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ) ([259]).

خدای تعالی می‌فرماید: «بگو: فرشته‌ی مرگ که موکل بر شما است، شما را می‌میراند سپس به سوی پروردگارتان بازگردانیده می‌شوید»([260]) و همچنین: «کسانی هستند که بر خود ستم روا داشته‌اند، چون فرشتگان جانشان را بستانند، سر تسلیم فرود آورند و گویند: ما هیچ کار بدی نمی‌کردیم. آری خدا از کارهایی که می‌کردید آگاه است»([261]).

وقال تعالى: (الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ) ([262]).

خداوند متعال می‌فرماید: «آنان که چون فرشتگان ایشان را پاک سیرت بمیرانند، می‌گویند: سلام بر شما، به پاداش کارهایی که می‌کرده‌اید به بهشت درآید» [263].

وقال تعالى: (وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَتَوَفَّاكُمْ وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْدَلِ الْعُمْرِ لِكَيْ لَا يَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ قَدِيرٌ) ([264]).

و همچنین: «خدا شما را بیافرید، سپس می‌میراند و از میان شما کسی را به پیری می‌رساند تا هر چه را که آموخته است از یاد ببرد، زیرا خدا دانا و توانا است» [265].

فكما أن المتوفي هو الله في كل تلك الأحوال كذلك فإن المتكلم هو الله في كل تلك الأحوال، قال تعالى: (فَلَمَّا جَاءَهَا نُودِيَ أَنْ بُورِكَ مَنْ فِي النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا وَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ) ([266]).

همان‌طور که در تمام این احوال، متوفی (وفات دهنده) خداوند است، متکلم نیز در هر حالت خدا است. حق تعالی می‌فرماید: «چون (به آتش) رسید، ندا داده شد که برکت داده شد، آن که درون آتش است و آن که در کنار آن است و منزّه است خدای یکتا، پروردگار جهانیان» [267].

فتنزه سبحانه وتعالى أن يكلم بشراً إلا من وراء حجاب، قال تعالى: (وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحِيًّا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ



أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بآدْنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلِيُّ حَكِيمٌ» [268]، فلم يكتب كلام الله سبحانه وتعالى مباشرة ومن غير حجاب إلا في صفحة وجود محمد ولذلك كان علي (ع) هو الإنسان الأول والبشر الأول، ومحمد هو الحجاب بين الحق والخلق لفنائته في القرآن، ثم خفقه بين الإنسانية وبين الذات الإلهية فلا يبقى إلا الله الواحد القهار، ولم أقل: فلا يبقى إلا الله الرحمن الرحيم؛ لأن محمداً هو الرحمة في الخلق فإذا فني في الذات الإلهية لم تبق إلا النعمة والقهر، حيث إن نظر الله سبحانه وتعالى إلى محمد، قال تعالى: (فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا).

خدای سبحان خود را منزّه برشمرده است از این که با بشری جز از فراسوی پرده سخن بگوید. خداوند می‌فرماید: «هیچ بشری را نرسد که خدا جز به وحی یا از آن سوی پرده، با او سخن بگوید یا فرستاده‌ای می‌فرستد تا به فرمان او هر چه بخواهد به او وحی کند. او بلندپایه و حکیم است» [269]. کلام خداوند سبحان و متعال به طور مستقیم و بدون حجاب و پرده نوشته نمی‌شود، مگر در صفحه‌ی وجود حضرت محمد (ص) و از آنجا که علی (ع) انسان اول و بشر اول است و حضرت محمد (ص) نیز حجاب بین حق و خلق است، با فنا شدنش در قرآن و سپس نوسان کردنش بین انسانیت و ذات الهی، چیزی جز خدای یگانه‌ی قهار باقی نمی‌ماند؛ نمی‌گوییم: چیزی جز «الله الرحمان الرحیم» بر جای نمی‌ماند، زیرا حضرت محمد (ص) رحمت در خلق است و اگر او در ذات الهی فانی شود، چیزی جز نعمت و خشم بر جای نمی‌ماند زیرا نظر خداوند سبحان و متعال به سوی محمد (ص) می‌باشد. حق تعالی می‌فرماید: «تو در برابر دیدگان مایی».



الكافي : ج 1 ص 143.

[233] - موجود في التوراة أيضاً وهو حديث متواتر رواه السنة والشيعة وهذه بعض الروايات من مصادر السنة والشيعة: عن محمد بن مسلم، قال: سألت أبا جعفر (ع) عما يروون أن الله خلق آدم على صورته، فقال: (هي: صورة، محدثة، مخلوقة واصطفاها الله واختارها على سائر الصور المختلفة، فأضافها إلى نفسه كما أضاف الكعبة إلى نفسه والروح إلى نفسه (ونَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي) ) الكافي: ج 1 ص 134، وتوحيد الصدوق: ص 103.

روى البخاري (6227) ومسلم (2841) عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: (خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ عَلَى صُورَتِهِ طُولُهُ سِتُونَ ذِرَاعًا فَلَمَّا خَلَقَهُ قَالَ: اذْهَبْ، فَسَلِّمْ عَلَى أَوْلِيكَ التَّفَرِّ مِنْ الْمَلَائِكَةِ جُلُوسٌ فَاسْتَمِعَ مَا يُحْيُونَكَ فَإِنَّهَا تَحْيِيكَ وَتَجِيءُ ذُرِّيَّتَكَ، فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ، فَقَالُوا: السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَفَرَادُؤُهُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ فَكُلُّ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ عَلَى صُورَةِ آدَمَ فَلَمْ يَزَلْ الْخَلْقُ يُنْفِصُ بَعْدُ حَتَّى الْآنَ).

وروى مسلم (2612) عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: (إِذَا قَاتَلَ أَحَدُكُمْ أَخَاهُ فَلْيَجْتَنِبِ الْوَجْهَ فَإِنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ عَلَى صُورَتِهِ).

وروى ابن أبي عاصم في السنة (517) عن ابن عمر، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: (لا تقبحوا الوجوه فإن ابن آدم خلق على صورة الرحمن). قال الشيخ عبد الله الغنيمان: (هذا حديث صحيح صححه الأئمة، الإمام أحمد وإسحاق بن راهوية وليس لمن ضعفه دليل إلا قول ابن خزيمة، وقد خالفه من هو أجل منه).

وروى ابن أبي عاصم (516) أيضاً عن أبي هريرة، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: (إذا قاتل أحدكم فليجتنب الوجه فإن الله تعالى خلق آدم على صورة وجهه)، وقال الشيخ الألباني: إسناده صحيح.

[234] - كافي: ج 1 ص 143.

[235] - در تورات نیز وجود دارد و این حدیث متواتری است که سنی و شیعه نقل نموده‌اند. برخی از احادیث از منابع شیعه و سنی: از محمد بن مسلم روایت شده است که گفت: از ابو جعفر (ع) درباره‌ی آنچه روایت می‌کنند که خداوند آدم را به صورت خود آفرید، سؤال نمودم. ایشان (ع) فرمود: «این صورت، صورتی است تازه و نو آفریده شده که خداوند آن را برگزید و بر سایر صورت‌های مختلف اختیار کرد. پس این صورت را به خودش نسبت داد؛ همچنان که کعبه و روح را به خود نسبت داد و فرمود «(و از روح خود در آن دمیدم)» (کافی: ج 1 ص 134 ؛ توحید صدوق: ص 103).

بخاری (6227) و مسلم (2841) از ابو هریره روایت می‌کنند که پیامبر (ص) فرمود: «خدا آدم را به صورت خود آفرید. طول او شصت ذراع بود. هنگامی که او را آفرید، فرمود: برو. بر آن ملائکه‌ای که نشسته‌اند، سلام نما و تحیت آنها را بشنو که تحیت و سلامی بر تو و بر ذریه‌ات می‌باشد. پس گفت: سلام علیکم. گفتند: «سلام بر تو و رحمت الله» و «رحمت الله» را بر آن اضافه نمودند. هر کس که داخل بهشت می‌شود، بر صورت آدم است و خلقت پس از آن پیوسته تا الآن کم شده است».

مسلم (2612) از ابوهریره روایت می‌کند که گفت: رسول خدا (ص) فرمود: «اگر کسی از شما برادرش را می‌کشد، از صورتش اجتناب کند زیرا خداوند آدم را بر صورت خویش آفرید».

ابن ابی عاصم در سنت (517) از ابن عمر نقل می‌کند: رسول خدا (ص) فرمود: «صورت‌ها را قبیله شمارید چرا که فرزند آدم بر صورت رحمن خلق شده است». شیخ عبدالله غنیمان می‌گوید: «این حدیث صحیح است، صحتش به ائمه برمی‌گردد، امام احمد و اسحاق بن راهویه و دلیلی برای ضعیف بودن آن وجود ندارد مگر سخن ابن خزيمة و هر کسی با آن مخالفت نماید به دلیل او است».

ابن ابی عاصم (516) نیز از ابوهریره روایت می‌کند که گفت: رسول خدا (ص) فرمود: «اگر کسی از شما برادرش را می‌کشد، از صورتش اجتناب کند زیرا خداوند آدم را بر صورت خویش آفرید». شیخ البانی می‌گوید: سند آن صحیح است.

[236] - الانسان : 30.

[237] - غيبة الطوسي : ص 246.

[238] - الشوری : 51.

[239] - البقرة : 31.

[240] - مستدرک سفينة البحار : ج 9 ص 351.

- [241] - انسان: 30.
- [242] - غیبت طوسی: ص 246.
- [243] - شوری: 51.
- [244] - بقره: 31.
- [245] - مستدرک سفینه‌ی بحار: ج 9 ص 351.
- [246] - المصدر نفسه.
- [247] - منبع خودش.
- [248] - الکافی: ج 2 ص 239 ح 27.
- [249] - کافی: ج 2 ص 239 ح 27.
- [250] - مستدرک سفینه البحار: ج 9 ص 351.
- [251] - مستدرک سفینه البحار: ج 9 ص 351.
- [252] - الشوری: 51.
- [253] - بحار الأنوار: ج 39 ص 350، نقلاً عن تفسیر فرات الکوفی.
- [254] - شوری: 51.
- [255] - بحار الانوار: ج 39 ص 350، نقل شده از تفسیر فرات کوفی.
- [256] - بحار الأنوار: ج 82 ص 272.
- [257] - بحار الانوار: ج 82 ص 272.
- [258] - السجدة: 11.
- [259] - النحل: 28.
- [260] - سجده: 11.
- [261] - نحل: 28.
- [262] - النحل: 32.
- [263] - نحل: 32.
- [264] - النحل: 70.
- [265] - نحل: 70.
- [266] - النمل: 8.
- [267] - نمل: 8.
- [268] - الشوری: 51.
- [269] - شوری: 51.